

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"
بن - المان، نومبر ۱۹۹۷م

پاسداران فرهنگ

زندگی درین غربت وه چه رنج آهنگ است
گل به دیده نیش خار، برگ در چمن بی بار
دل چو برگ گل لرزان، دیده کور و خون افشان
این جهان رنگارنگ، گه حسیض و گه اورنگ
هرطرف نظر کردن، بار درد و غم بردن
روزگار بی بنیاد، بُرده مردمی از یاد
هیچگه نمی میرد ملتی که با مردی
باغ شعله افروز است خانه چو قفس تنگ است
سیم، سنگ بی مقدار، زر عیار بی رنگ است
نظم زندگی پاشان، جنگ شیشه و سنگ است
با هزارها نیرنگ کسارگاه ارژنگ است
حرف گفت و گو گنگ است، پای آرزو لنگ است
هرچه هست در کین است، هرکه هست در جنگ است
پای بند ناموس است، پاسدار فرهنگ است

بی جهت [اسیر] از ما روز خوش چه میجویی؟

از تو تا به خوش بختی، یک هزار فرسنگ است